

بررسی ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در پایداری و ارتقای اخلاق اجتماعی

نویسندگان: سجاد احمدی^۱، جواد احمدی^۲
و مهدی رحیمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۵/۵

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۵۹، تابستان ۱۳۹۲

چکیده

تحقیق حاضر، از نوع بنیادی و با روش توصیفی و تاریخی بر اساس منابع کتابخانه‌ای است. این تحقیق، با محوریت قرآن و سنت و احادیث است و سعی شده با دید همه‌جانبه، آثار عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و عواقب ترک آن از بُعد فردی و حکومتی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. پایداری جامعه در گرو تثبیت ارزشها و تعقیب اهداف و آرمانهاست. این پایداری با برنامه‌ریزی دولت (حکومت اسلامی) و تعهد مردم (امت اسلامی) به دست می‌آید. جامعه اسلامی با سنت امر به معروف و نهی از منکر از رذایل و انحرافات مصون می‌ماند. در این جامعه، هر فرد، مکلف به انجام امر به معروف و نهی از منکر (ضد ارزشهای اسلامی) است. هر مسلمانی مسئول اصلاح امور اخلاقی جامعه خود است که باید با کسب آگاهی و مهارت لازم، وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد. نتیجه اینکه مهارتهای لازم در حسن انجام مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر است، عبارتند از: پرهیز از رفتارهای متکبرانانه، چگونگی مواجهه با آدمهای متکبر و مغرور، نداشتن رفتارهای تهاجمی، نداشتن رفتارهای خشونت‌آمیز و بی‌نزاکت، پرهیز از رفتارهای نامناسب و بی‌ادبانه، ظاهر شدن در نقش مثبت، رعایت حریم خصوصی افراد، برقراری رابطه دوستانه با مردم، چگونگی راه رفتن، داشتن سیمای جذاب، حفظ آرامش خود در هر شرایطی، خجالت نکشیدن و قوی ظاهر شدن در مقابل صاحبان قدرت که نیاز به توجه و دقت بالایی دارد.

واژگان کلیدی

امر به معروف و نهی از منکر، پایداری، اخلاق اجتماعی.

۱. کارشناس ارشد کشاورزی دانشگاه آزاد واحد خرم‌آباد (نویسنده مسئول)
Sajad252003@chmail.ir / Sajad.ahmadi@iran.ir

۲. کارشناس ارشد آمار پژوهشکده تعلیم و تربیت آموزش و پرورش استاد کردستان.

۳. دانشجوی دکتری مکانیک دانشگاه جامع امام حسین (ع).



مقدمه

امام خمینی(ره): «همان طوری که هر شخص، هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند، اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند». «امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملت واجب است» (تحریر الوسیله، ۱۳۷۹).

مقام معظم رهبری: «امروز امر به معروف و نهی از منکر، هم مسئولیت شرعی و هم مسئولیت انقلابی و سیاسی شماسست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).
تحقیق حاضر، از نوع بنیادی و با روش توصیفی و تاریخی بر اساس منابع کتابخانه‌ای است. این تحقیق، با محوریت قرآن و سنت و احادیث است و سعی شده با دید همه‌جانبه، آثار عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و عواقب ترک آن از بُعد فردی و حکومتی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

درباره امر به معروف و نهی از منکر کمتر کسی وجود دارد که اهمیت آن را نداند. آیات و روایات به حدی زیاد است که حتی در بین افراد عادی هم کسی را نمی‌توان یافت که آیه، حدیث یا نکته‌ای در رابطه با این مسئله نداند. مسئله‌ای که رسول خدا(ص) فرمودند: «من امر به معروف و نهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی الارض و خلیفه رسوله»؛ یعنی از این بالاتر نیست کسی که اهل امر به معروف و نهی از منکر باشد، جانشین خدا و پیامبر است. پیامبر(ص) در روایتی دیگر فرمودند: خدا از مؤمن ضعیف بدش می‌آید! گفته شد یا رسول الله! مؤمن ضعیف کیست؟ فرمود: «الذی لا ینهی عن المنکر»؛ نسبت به منکر پیرامون خودش بی‌تفاوت باشد و تذکر ندهد (بحار الانوار، ۱۰۳۷).

امیر مؤمنان(ع) فرمودند: «من ترک انکار المنکر بقلبه و یده و لسانه فهو میت بین الاحیاء»؛ اینهایی که به این موضوع اهمیت نمی‌دهند، مرده‌اند (بحار الانوار، ۱۰۳۷).
امر به معروف و نهی از منکر، دارای دو دایره است:

۱. دایره محدودی که توجه به آن، به نیکی یا نیکی‌های خاص است که فعلاً در جامعه ترک شده یا ترس ترک آن است، بی‌آنکه توجهی به مقدمات و آمادگی و زمینه‌سازی نتیجه‌بخش برای آینده باشد. همین طور در این دایره، توجه به بدی یا بدی‌های مخصوص است که فعلاً در جامعه وجود دارند یا ترس پیدایش آنهاست، بی‌آنکه توجهی به مقدمات و آمادگی و زمینه‌سازی ثمربخش برای آینده در جهت نابودی و جلوگیری از منکرات شود و بی‌آنکه همه افراد و امکانات در رفع و دفع فساد و منکرات مجهز شوند. در این صورت، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، «وجوب کفایی» خواهد شد.



نظریه برگزیده در این مقاله، مطابق آیات و روایات است؛ بلکه این آیات و روایات که دلایل احکام هستند، همین اقتضا را دارند؛ زیرا ظاهر این دلایل - چنانکه گفتیم - اقتضای وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر در دایره وسیع است. بنابر این، واجب است این نظریه را بپذیریم تا وقتی که قرینه و دلیلی بر خلاف آن در موردی یا مواردی پیدا نشود.

ولی بنابر دایره محدود در فرض دوم، ممکن نیست بگوییم که این دو فریضه واجب عینی است؛ زیرا عقلاً اقدام به آن برای فرد مکلفین واجب نیست. از این جهت که هدف، با اقدام بعضی از آنها به دست می‌آید، در این صورت چاره‌ای نیست جز اینکه از ظاهر دلایل (آیات و روایات) دست برداریم و بگوییم امر به معروف و نهی از منکر نسبت به آنها «واجب کفایی» است.

۲. دایره وسیعی که در آن، به مقدمات و تجهیزات برای زمینه‌سازی و توسعه و گسترش و تکمیل در جهت منکرات (بدی‌ها) توجه می‌شود. در این صورت که این دو فریضه پشت عینک وسیع در سطح عالی دیده می‌شود، وجوب آن، «وجوب عینی» خواهد شد؛ یعنی بر فرد مکلفین واجب است تا آخرین توان خود برای کسب این هدف وسیع، اقدام و قیام و تلاش بی‌وقفه و خستگی ناپذیر داشته باشند.

ارزش و اهمیت عظیم امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهم‌ترین و عظیم‌ترین و عالی‌ترین فرائض و واجبات اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر است. درباره عظمت شأن این دو وظیفه مهم، تعبیری رساتر و کامل‌تر از آنچه در بیان اهل بیت (ع) آمده است نمی‌یابیم. «وَمَا يُنْبِتُكَ مِثْلَ خَبِيرٍ»؛ و چنین موضوعی را کسی همانند آگاه خبیر، خبر ندهد (بحارالانوار، ۱۰۳۷). اینک به دو حدیث ذیل توجه کنید:

۱. پیشوای یکتاپرستان حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلِّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي»؛ تمام کارهای نیک و (حتی) جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون آب دهان در برابر دریای پهناور است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «گروهی از مردم با دست و زبان و قلب، نهی از منکر می‌کنند؛ آنان جامع تمام خصلتهای نیکند. گروهی دیگر، تنها با زبان و قلب، نهی از منکر می‌کنند؛ اینها به دو خصلت نیک تمسک کرده و یکی را از دست داده‌اند. گروهی دیگر، تنها با قلبشان مبارزه می‌کنند، اما مبارزه با دست و زبان را ترک کرده‌اند. این گروه، دو



خصلت برتر از سه خصلت نیکو را از دست داده و تنها یکی را گرفته‌اند. گروهی دیگر نه به زبان و نه با دست و نه با قلب، نهی از منکر می‌کنند. اینها در حقیقت، مردگان در میان زندگان هستند». سپس فرمودند: «تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، جز قطره‌ای در مقابل دریای پهناور، به شمار نمی‌رود و از همه اینها مهم‌تر و برتر، سخن عدل و سخن حقی است که در برابر پیشوای ظالم و ستمگر گفته می‌شود» (بحار الانوار، ۱۰۳۷).

۲. امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مِنْهَاجِ الصَّالِحِينَ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ، بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ، وَ تُحَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمُ، وَ تَعْمُرُ الْأَرْضُ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ»؛ امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران و شیوه صالحان و فرضیه بزرگ الهی است که سایر فرائض و واجبات به وسیله آن بر پا می‌شوند و در پرتو آن، راهها امن؛ کسب و کار مردم، حلال؛ حقوق افراد، تأمین؛ زمینها آباد و از دشمنان، انتقام گرفته می‌شود و همه کارها روبه‌راه می‌شود (بحار الانوار، ۱۰۳۷).

در آغاز حدیث، از این دو فریضه به عنوان «أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَفُهَا» (عالی‌ترین و شریف‌ترین وظایف واجب دینی) یاد شده است. امام صادق (ع) از پدران خود تا پیامبر (ص) نقل می‌کنند که فرمودند: «خداوند دشمن می‌دارد مؤمن ضعیفی را که عقل ندارد و او کسی است که نهی از منکر نمی‌کند».

عدم اهتمام لازم به این دو فریضه بزرگ

با توجه به اینکه فریضه‌ای که همه کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با آن همچون قطره آب، نسبت به دریای پهناور است و در پرتو آن سایر واجبات برپا شده و راهها امن می‌شود؛ کار و کسب مردم، حلال و حقوق آنان ادا می‌شود و عدالت اجتماعی و اقتصادی و آبادی زمین و انتقام از دشمنان دین به وجود می‌آید؛ آن دشمنانی که از هر گونه شرّ و فساد درباره ما کوتاهی نمی‌کنند و دوست دارند همواره در زحمت و رنج باشیم (و نشانه‌های) دشمنی از زبانشان آشکار است و آنچه در دل پنهان دارند (از کینه‌ها و عداوتها) از آن هم مهم‌تر است؛ لذا انجام این دو فریضه موجب روبه‌راه شدن شئون همه‌جانبه می‌شود.

نتیجه اینکه، به روشنی درمی‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین فریضه اسلامی یا از مهم‌ترین فرایض است و همین برای اوج ارزش این دو فریضه کافی است. قرآن کریم بارها به طور مستقیم و غیر مستقیم، چه در آیات و سور



مکی که متضمن بیان اصول و کلیات دین است و چه در آیات و سوره مدنی که بیانگر احکام فرعی و حکومتی اسلام است، مسئله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرده که نشان‌دهنده اهمیت این دو فریضه در قرآن است.

آیات و روایات و نصوص مصرّحه بر وجوب، در حدّی از کثرت و شمول است که بحث پیرامون آن از گنجایش این مقال خارج است. اما کیفیت وجوب، در نظام حکومتی اسلام که با عنایات الهی، امروز در اختیار مسلمانان ایران قرار گرفته و هم اکنون رسول رسولان و پیام‌آور پیام‌آوران شده، امام و پیشوای حق‌جویان و حق‌طلبان شده‌ایم، چگونه است؟

خلافت مؤمنان و صالحان

خدای متعال وعده داده است که مؤمنان و صالحان، وارثان زمین و حاکمان قدرتمند و خلیفه او خواهند بود؛ که نتیجه و واکنش طبیعی ایمان و عمل صالح، به دست آوردن تمکّن و قدرت و ریاست و خلافت معرفی شده است: «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفه امناً»؛ به کسانی از شما که مؤمن بوده عمل صالح انجام داده‌اند، خدا وعده داده است که آنان را جانشین و خلیفه خود و وارثان زمین گرداند، همچنان که پیشینیان آنان را خلیفه قرار داد و دینشان را که برای آنان پسندیده و انتخاب کرده است، بی‌تردید به نفع آنان تمکّن و قدرت خواهد بخشید و ترس و خوفشان را به امن و آرامش مبدّل خواهد ساخت.

آنگاه در ادامه آیه شریفه، حقیقتی را خاطرنشان می‌فرماید که برای هر انسان مسلمانی قابل تأمل و توجه ویژه و به خصوص برای مسئولان نظام و حکومت اسلامی و مؤمنان و صالحان، خطاری تکان‌دهنده و جدّی است؛ آنجا که در سوره نور آیه ۵۵ می‌فرماید: «یعبدوننی و لایشركون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون»؛ آنان مرا پرستش می‌کنند و بر من شریک و انبازی قائل نمی‌شوند و هر کس پس از این کفر ورزد، پس آنان افرادی فاسق و تبه‌کارند.

در مورد دیگری در آیه ۴۸ سوره حج می‌فرماید: «... الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور»؛ مؤمنان و صالحانی که مظلوم گشته و برخی از آنان کشته شده از خانه و دیارشان اخراج شده بودند و خدا از آنان دفاع و یاری‌شان کرد، کسانی‌اند که اگر



قدرت و مکنّت در روی زمین به آنان بدهیم، قیام به نماز کنند (نماز را برپا دارند) و به اتیان و پرداخت زکات و مالیات اسلامی اقدام کنند و امر به معروف و نهی از منکر را احیا کنند و سرانجام همه امور برای خداست.

در هر دو آیه کریمه به واژه «مکنّت» و «قدرت» تصریح شده و شکرانه این قدرت را توجه بیشتر به خدای متعال و عبادت او دانسته و کفران این نعمت بزرگ را موجب فسق و تبهکاری معرفی کرده است. در آیه دوم، توجه و عبادت خدا را در اقامه و احیای نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر، خلاصه و مشخص کرده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (که نتیجه عمل صالح مؤمنان و صالحان و ایثار و فداکاری شاهدان و شهیدان است)، به این جهت توجه ویژه و تأکید و تصریح شده است: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند». (والمؤمنون بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر) (سوره توبه، آیه ۷۱).

بررسی معنی دو واژه «معروف» و «منکر»

واژه «معروف» چنانکه در کتابهای: «مُنْتَهی» و «مَحْکِی التَّحْرِیر» و «تذکره» ذکر شده، هر کار نیکی است که علاوه بر نیکی آن، انجام‌دهنده‌اش، آن را به این وصف (نیکی) بشناسد، یا توسط دیگری به این عنوان شناسانده شود. واژه «منکر» نیز هر کار بدی است که انجام‌دهنده آن، خودش آن را به این وصف (بدی) بشناسد یا توسط دیگری شناسانده شود (یعنی از طریق اجتهاد یا تقلید). بر این اساس، «معروف» در اصطلاح ادبی، «جنس» است و شامل هر گونه کار نیک خواهد شد و منظور از «نیک» در مقابل «بد»؛ یعنی جواز به معنی اعم که علاوه بر واجبات، شامل مباح و مستحب نیز می‌شود؛ چنانکه کلمه «بد» علاوه بر حرام، شامل مکروهات (کارهای ناپسند) نیز می‌شود (دانستنیهای امریه معروف، ۱۳۸۵).

گاهی واژه «نیک» به هر چیزی که شایسته ستایش است، گفته می‌شود. در این صورت، شامل واجبات و مستحبات خواهد شد. اما واژه «منکر»، تنها به معنی



کار بد است، که همان کار حرام باشد. در این صورت، کارهای مباح و مکروه و ترک کار مستحب، نه جزء «معروف» هستند و نه جزء «منکر».

بعضی از علما گفته‌اند: واژه «منکر» شامل «مکروه» نیز می‌شود. بنابر این قول، نهی از منکر بر دو گونه است: ۱. نهی از منکر واجب، نسبت به کارهای حرام؛ ۲. نهی از منکر مستحب، نسبت به کارهای مکروه. امر به معروف نیز بر دو گونه است: ۱. امر به معروف واجب، نسبت به واجبات؛ ۲. امر به معروف مستحب، نسبت به مستحبات. سخن در اینجا بسیار است، اما به طور خلاصه: واژه «معروف» به معنی چیزی است که عقل و فطرت پاک، آن را به نیکی بشناسد و واژه «منکر» آن است که عقل و فطرت پاک، آن را به نیکی نشناسد، بلکه آن را کار بد بشناسد و به عبارت ساده؛ کلمه «معروف» یعنی «خوب» و کلمه «منکر» یعنی «بد». این دو معنی (خوب و بد) دارای شاخه‌های بسیار است و تنها منحصر به آنچه در ذهن ما می‌آید نیست. منکر از کلمه «انکار» گرفته شده که ضد عرفان (از نوع کشف و شهود) است؛ یعنی چیزی که مورد شناخت نیست. «انکار» در اصل به معنای آن است که چیزی بر دل و قلب انسان وارد شود که تصوّر آن را نمی‌کرد، بلکه از آن تنفر داشته و آن را انکار می‌کند. در عرف مردم، متشرّع، پسندیده و مورد قبول نیست. «معروف هر کار نیکی است که علاوه بر نیکی آن، انجام‌دهنده‌اش آن را به این صفت (نیکی) بشناسد، یا توسط دیگری به این عنوان شناسانده شود» (طبرسی، ۵۴۸ق). بنابراین تمامی اعمالی که مبتنی بر دعوت به خیر و ممانعت از شر بر اساس فرضیه الهی امر به معروف و نهی از منکر صورت پذیرد و اعمال روشهای تبلیغی بر اساس حکمت، موعظه حسنه، جدل احسن و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی امت اسلامی قلمداد شود، امر به معروف و نهی از منکر تلقی می‌شود. (آموزش نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۵: ص ۲۶ و ۲۸)

بهترین راه شناخت معروف و منکر

بهترین راه برای به دست آوردن مصداقهای معروف و منکر (خوب و بد)، مراجعه به شرع مقدّس است که همان عقل خارجی است؛ چنانکه عقل در وجود انسان، شرع داخلی است. بر این اساس، هر چیزی را که شارع مقدّس اسلام به آن امر کرد و مردم را به انجام آن تشویق نمود، آن چیز، «معروف» است و به عکس، هر گاه شارع مقدّس، از چیزی نهی و مردم را از انجام دادن آن نهی و سرزنش کرد، آن چیز، «منکر» است و این، ضابطه و معیاری است که دو واژه «معروف و منکر» را از یکدیگر مشخص می‌کند.



خداوند در آیه ۷۱ سوره توبه می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خداوند، عزیز و توانا و حکیم است.

به موجب اصل هشتم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند».

دنیای کنونی با سرعت سرسام‌آوری، مرزهای دانش را یکی پس از دیگری درمی‌نوردد تا از نتایج آن در جهت رفاه و آسایش جسم و روح و زندگی سالم بهره‌مند شود. در این میان، یک‌جانبه بودن دستاوردهای علمی و دوری از تعلیمات پیامبران در زمینه اخلاق و معنویت، موجب شده تا با وجود همه این پیشرفت‌های سریع، آسایش و سلامت بشریت در زندگی ماشینی، دستخوش تهدید جدی قرار گیرد.

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین حلقه از سلسله تکاملی ادیان، توجه خاصی به سلامت فردی و اجتماعی مسلمانان از جهت اخلاقی مبذول داشته و در جهت ریشه‌کن کردن عوامل ضربه‌زننده به این سلامت، دستورالعمل‌هایی ارائه کرده است. از یک طرف، برای سلامتی معنوی و آرامش روحی و روانی فرد، از بُعد پیشگیری، علاوه بر ایمان به مبدء و معاد، او را به توکل و ذکر سفارش می‌کند و از بُعد درمان، برای لغزشهای احتمالی و پاکسازی روح، سفارش به توبه می‌کند. از طرف دیگر، برای سالم‌سازی محیط اجتماعی، از جهت پیشگیری و نظارت عمومی بر عملکرد مسلمانان در جامعه، بر «اصل امر به معروف» تأکید کرده و از جهت درمان، برای پاکسازی جامعه از فساد و گناه، «نهی از منکر» را توصیف کرده است. در مجموع، قرآن و سیره نبوی، اصل نظارت و مراقبت جمعی یا «امر به معروف و نهی از منکر» را با سازوکار خاصی، به عنوان فرضیه‌ای بزرگ و زیربنایی، که قوام و برپایی سایر واجبات به واسطه این اصل تحقق می‌یابد، معرفی کرده است. (ابویی مهریزی، ۱۳۸۶)

برای رسیدن به سعادت، نیازمند توجه به جنبه‌های فردی و اجتماعی هستیم. آنچه باعث سعادت جامعه می‌شود، قبل از هر چیز، سنت‌های الهی و هنجارهای



اجتماعی است. همچنین، زندگی بشر نیاز به نظم و قانون دارد و قانون وقتی سبب ایجاد نظم می‌شود که از این دو عامل (سنت‌های الهی و هنجارهای اجتماعی) پیروی کند. انسانی که در یک جامعه فاسد زندگی می‌کند، دچار بدبختی و هلاکت می‌شود. در واقع؛ سعادت فرد و جامعه از هم جدا نیست. دین اسلام برای سعادت بشر و جامعه، برنامه و دستور و احکام دارد؛ از جمله امر به معروف و نهی از منکر که سرنوشت هر مسلمانی با مسلمان دیگر در ارتباط است و هیچ کس چشم خود را بر اعمال دیگران نمی‌بندد و تنها در پی کشیدن گلیم خود از آب نیست و حتی اگر برای نجات خود هم باشد، نسبت به دیگران بی‌تفاوت نخواهد بود. نظارت عمومی و همگانی در حکومت اسلامی، ضامن دوام و بقای جامعه و نیروی عظیمی برای مبارزه با مفسد است و اگر همه مسلمانان با انجام آن، جامعه را سالم سازند، می‌توانند بزرگ‌ترین مشکلات را حل و دشمن را منکوب کنند. در فریضه حج، جمعیت میلیونی مسلمانها، هر کدام با سنگریزه‌هایی که به پیکره شیطان می‌زنند، سمبل شیطان را زیر رگبار سنگریزه دفن می‌کنند. رمز بقای تمدنها و حکومتها، ادای این وظیفه مهم است. در ملت‌هایی که این امر در آنها تعطیل شد، نابود شدند. شاید سرنوشت اقوام گذشته، مثل عاد و ثمود و لوط و... در همین راستا بوده است. انسان آگاه، زندگی ممتاز از گیاهان و حیوانات دارد که، با دیگر انسانها زیست کند و با آنها هماهنگی و ارتباط داشته باشد. چه اینکه این زندگی به مقتضای طبیعت اولی او باشد و چه اینکه بر مبنای اضطرار و ضرورت ثانویه باشد. به هر دلیلی، زندگی انسان بر پایه حیات جمعی شکل می‌گیرد و کمالات و استعدادهايش به ظهور می‌رسند. بر همین مبنای، در زندگی اجتماعی نیز باید نظمی حاکم باشد تا هیچ کس خود را بر دیگری تحمیل نکند و ارزشها و اولویتها و آزادی‌های انسانها در معرض تهاجم و تهدید قرار نگیرند. نظم نیز بدون قانون تحقق نمی‌یابد و قانون کارآمد، قانونی است که به همه جنبه‌های حقیقت انسان اشراف داشته باشد و بتواند به خوبی قدرت اقناع‌سازی داشته و به حق حکم کند؛ چون آزادی انسان زمانی به شکوفایی او می‌انجامد که اولاً، به راستی جاری در اندیشه و رفتار و گفتار برخاسته از اولویت‌های انسان باشد و در رفتار و گفتار و اندیشه او نیز انعکاس پیدا کرده باشد و ثانیاً، آزادی در تعامل با افراد دیگر حاصل آمده باشد. همین مسئله، ضرورت نظارت و مدیریت چندجانبه افراد را نسبت به خود و دیگران ایجاب می‌کند. با توجه به اینکه انسانها به جمع، روی می‌آورند و زندگی تعاونی را برمی‌گزینند تا به فایده بیشتر و تجارتي پرسودتر و کمالي عالی‌تر نایل آیند، هنگامی که جامعه



میدان ضرر و خسارت و صحنه باختن و عقب ماندن است، باید به بازار پرسودتر و بی‌ضررتر دیگری جذب شوند یا اینکه با آفات آن جامعه به مبارزه برخیزند و جامعه را به محیطی سالم و امن برای رسیدن به سود دنیوی و معنوی مبدل سازند. برای دستیابی به این منافع است که می‌بایست معروف را در تمامی کنشها و واکنشهای خویش و همه‌ی مسیر و بستر حرکت خود و باور رسیدن به منفعت شناخته و اعمال کند. مثال زیبایی از پیامبر اعظم (ص) نقل شده که فرمودند: «مَثَلُ مَرَدَمٍ يَكُ جَامِعَهُ، مِثْلُ غُرُوهِي از مردم است که در یک کشتی سوار شده بودند و کشتی سینه دریا را می‌شکافت و به پیش می‌رفت. هر یک از مسافران در جای خود نشسته بود. یکی از مسافران به عذر اینکه اینجا نشسته‌ام جایگاه خودم است و تنها به خودم تعلق دارد، با وسیله‌ای که در اختیار داشت به سوراخ کردن همان نقطه پرداخت. اگر سایر مسافران همان جا دست او را گرفته و ممانعت می‌کردند، غرق نمی‌شدند و مانع غرق شدن آن بیچاره نیز می‌شدند». در این مثل، مسافران کشتی، مردم جامعه‌اند و دریا صحنه زندگی است. یکی از مسافران، شخصی است که در جامعه و با مالکیت شخصی و ابزاری همچون مواد مخدر یا بدحجابی به پیکره جامعه (کشتی) خدشه وارد می‌کند که ضرورت دارد جامعه، این فرد را کنترل کند. (بسیج و همکاران، ۱۳۸۷)

تحقق جامعه توحیدی که در آن زیبایی‌ها برقرار باشد و زشتی‌ها بر کنار و دنیا مزرعه‌ای به حساب آید برای کشت اعمال فردی و جمعی تا فردای قیامت درو کردن و نیز دنیا منتهی‌الیه قوس نزول خلقت و آغاز قوس صعود دانسته شود برای به سوی او رفتن، شور و شعور همگانی را می‌طلبد و همت جمعی را درخواست دارد که در آیه ۱۱ سوره رعد آمده است: «لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مَنْ خَلْفَهُ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ»؛ برای او فرشتگانی است که پی‌درپی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند. در حقیقت؛ خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود. که خداوند هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.

در آیه ۱۱۲ سوره توبه می‌فرماید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ». [آن مؤمنان] همان توبه‌کنندگان پرستندگان سپاسگزاران



روزه‌داران رکوع‌کنندگان سجده‌کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده. در آیه ۱۷ سوره لقمان می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ ای پسرک من! نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش. این [حاکمی] از عزم [و اراده] تو در [امور] است.

در آیه ۱۱۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند.

و در آیه ۱۱۴ سوره نسا می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا». در بسیاری از رازگویی‌های ایشان خیری نیست مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم فرمان دهد و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم داد. دنیا عبورگاه است و آخرت دار قرار. امیرالمؤمنین علی(ع) فرمودند: «ای مردم! دنیا، سرای گذر و آخرت، خانه جاویدان است. پس، از گذرگاه خویش برای سرمنزل جاودانه توشه بگیرید. در پیشگاه خداوند که بر اسرار شما آگاه است، گناه نکنید. پیش از آنکه بدنهای شما از دنیا خارج شود، دلهایتان را خارج کنید. شما را در دنیا آزموده‌اند و برای غیر دنیا آفریده‌اند. کسی که بمیرد، مردم می‌گویند چه باقی گذاشت؛ اما فرشتگان می‌پرسند چه پیش فرستادی». (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳)

روش امامان(ع) بر اساس قرآن

روش ائمه هدی(ع)، بر اساس قرآن و احکام الهی بود که شدیداً مسلمانان را از همکاری با ستمگران بر حذر داشته است.

در آیه ۱۱۳ سوره هود می‌خوانیم: «وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»؛ و تکیه و میل بر ظالمان نکنید که موجب شود آتش شما را فروگیرد و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید.

کلمه «رکون» به معنی ستون دیوارهایی است که ساختمان یا اشیای دیگر را



سرپا می‌دارد، همچنین به معنی تکیه و اعتماد کردن و تمایل به چیزی به کار می‌رود. این آیه، شدیداً تکیه بر ظالمان را نهی کرده و مسلمانان را به دوری و تنفر از ظالمان دعوت می‌کند. در کتاب «زبده البیان» محقق اردبیلی آمده که «رکون» به معنی میل کم است؛ مانند تشبیه کردن خود به ظالمان و بزرگ کردن یاد آنها. در «تفسیر کشاف» هم آمده که: ظاهر آن است که منظور از ظالم در آیه مذکور، «حاکم ستمگر» است.

همچنین در «تفسیر برهان» آمده است: امام صادق (ع) ذیل این آیه فرمودند: «مردی به حضور سلطان می‌رود و بقای او را دوست دارد، تا توسط او از جیره دنیا چیزی به او برسد». (چنین کسی مشمول آیه مذکور است). (نوری همدانی، ۱۳۶۹)

عقل

وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر از طرفی مرتبط می‌شود با تعامل انسانها در تکیه به اولویتها و نیازمندی‌های آنها و از طرف دیگر، ارتباط دارد با کسب آزادی‌های اجتماعی آنها. امام صادق (ع) حدیثی نقل می‌کنند که بیانگر همین حقیقت است؛ رسول اکرم (ص) فرمودند: «هر گاه انسان در خفا مرتکب گناهی شود، فقط به خود ضرر می‌رساند و اگر آشکارا انجام دهد و کسی از او انتقاد نکند، سعادت عموم را در خطر می‌افکند». امام صادق (ع) پس از نقل این حدیث می‌فرمایند: «او با عمل ناهنجار خود، دین خدا را موهون ساخته و دشمنان خدا را به پیروی از خود دعوت می‌کند». (حر عاملی، بی تا، ج ۱۱، باب ۴: ح ۱)

دین

امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب دینی و در زمره فروع دینی‌اند. دیگران را به کار نیک دعوت کردن و از کار بد بازداشتن، از مسئولیت‌پذیری انسان سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا در اسلام هیچ کس بدون مسئولیت نیست؛ چرا که راه فرد از درون جامعه می‌گذرد. امام باقر (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، دو خلق مخصوص خداست. پس هر کس این دو رفتار را مدد کند (انجام دهد)، خداوند نیز او را یاری می‌کند و هر کس این دو را خوار بشمارد، خداوند او را خوار می‌کند». حُسن نیت، پاکی هدف، اجرای تکلیف الهی، عدالت و محبت و دلسوزی، همچون طبیعتی حاذق و مهربان و دور از هر گونه خشونت و تندوی و بدزبانی، از اصول ثابت اخلاقی و تربیتی و سیره‌هدایتی معصومین (ع) است. آنان با نهایت لطف و محبت،



این دو وظیفه سنگین و حساس را انجام می‌دادند و با کمال متانت و ملایمت و محبت، امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. مسلمین صدر اسلام به موازات ایمان، وحدت و برادری و اتحاد و یکدلی را می‌پذیرفتند و از تفرقه و جدایی پرهیز می‌کردند. (بسیج و همکاران، ۱۳۸۷)

نتایج و بحث

آیت‌الله نوری همدانی در کتاب «امر به معروف و نهی از منکر»، مصداق‌های دو کلمه معروف و منکر را در قرآن به شرح ذیل برشمرده‌اند:

معروف (کارهای نیک):

۱. ایمان، ۲. تلاوت قرآن، ۳. امر به معروف و نهی از منکر، ۴. اندیشیدن و تفکر، ۵. توکل و اعتماد بر خداوند متعال، ۶. صبر و شکیبایی، ۷. تقوا و پرهیزگاری، ۸. پیروی از خدا و رسول (ص)، ۹. پیشی‌گرفتن برای تحصیل کارهای نیک، ۱۰. انفاق در سختی‌ها و آسایش، ۱۱. فروبردن خشم، ۱۲. عفو و بخشش، ۱۳. احسان و نیکی، ۱۴. اطمینان به صحت وعده‌های خدا، ۱۵. توبه و طلب آمرزش از خدا، ۱۶. سیر در زمین برای بررسی امور و توجه به سرگذشت امتها و عبرت و پند گرفتن از ماجراهای آنها، ۱۷. جهاد و پیکار، ۱۸. شهادت در راه خدا، ۱۹. عدالت، ۲۰. شکر خدا، ۲۱. دعا کردن با شرایطش، ۲۲. استقامت و ایستادگی در راه دین، ۲۳. بردباری و اخلاق نیک، ۲۴. آموزش و آموختن قرآن و دانش، ۲۵. صراحت و قاطعیت در بیان حق، ۲۶. تحمل آسیبها و گرفتاری‌ها در راه خدا، ۲۷. ذکر و یاد خدا، ۲۸. هجرت برای تقویت و حفظ دین، ۲۹. خوف از خدا، ۳۰. استقامت در راه حق، ۳۱. مرابطه و حفظ مرزهای اسلامی از تهاجم دشمنان. (نوری همدانی، ۱۳۶۹)
- از آیات قبل از آیه ۱۱۰ سوره آل‌عمران نیز بخشی دیگر از شاخه‌های «معروف» (نیک) و «منکر» (بد) آمده که در ادامه به ذکر آنها می‌پردازیم.
۳۲. صدق و راستی، ۳۳. استغفار و طلب آمرزش از خدا، ۳۴. تقیه در مواردش، ۳۵. دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا، ۳۶. وفای به عهد و پیمان، ۳۷. تسبیح و ذکر خدا در شب و روز، ۳۸. اتحاد و دوستی و برادری، ۳۹. قیام جمعیتی از امت اسلامی برای دعوت کردن مردم به سعادت و به سوی خدا، ۴۰. صداقت.

برای توضیح بیشتر، نظری به سوره دیگر قرآن؛ یعنی سوره محمد (ص)



می‌افکنیم و به ترتیب پیش‌گفته، موارد مختلف از نیکی‌ها (معروف) و بدی‌ها (منکر) را خاطرنشان می‌کنیم.

۴۱. عمل صالح، ۴۲. پیروی از حق، ۴۳. یاری [دین] خدا، ۴۴. ایمان به آنچه خداوند نازل فرموده بر اساس تحقیق و بررسی، ۴۵. آمادگی کامل و فراهم کردن مداوم اسباب کار برای جبهه‌گیری در مقابل دشمن.

منکر (کارهای بد):

۱. کفر، ۲. قتل پیامبران و مخالفت با راهنمایان دین، ۳. عصیان و گناه، ۴. محرم اسرار قرار دادن کافران، ۵. جهل و نادانی، ۶. نفاق و دورویی، ۷. دوستی با کافران، ۸. ضعف در اراده و تصمیم در راه هدفها، ۹. اصرار بر گناه، ۱۰. سستی و بیحالی، ۱۱. تأسّف و اندوه بیجا، ۱۲. ظلم و ستم، ۱۳. ارتجاع و عقبگرد، ۱۴. کرنش در برابر دشمن، ۱۵. ضعف نشان دادن در برابر دشمن، ۱۶. اطاعت از کفار و پیروان آنها، ۱۷. کشمکش و نزاع در امور، ۱۸. فرار از جهاد و پشت کردن به دشمن در جنگ، ۱۹. پندار سپری شدن زمان دین، ۲۰. توجه به تبلیغات باطل و تحت تأثیر قرار گرفتن از آن، ۲۱. خیانت نسبت به بیت‌المال، ۲۲. بخل، ۲۳. رضایت به ظلم و گناه، ۲۴. کتمان حق، ۲۵. فروختن دین و حق به دنیا، ۲۶. حبّ تعریف بدون عمل، ۲۷. پندار و گمان بر اینکه سرمایه‌داری و ترقیّات مادی بدون دین، از نشانه‌های سعادت است، ۲۸. انکار وجود روح و جهان آخرت، ۲۹. ترسیدن از دوستان شیطان، ۳۰. فریب خوردن از رفت و آمد کافران در شهرها و تسلّط آنها بر شهرها، ۳۱. گمان بر اینکه شکست ظاهری، با حق ناسازگار است، ۳۲. انفاق در راه باطل و تقویت باطل، ۳۳. تمایل دلها از حق به سوی باطل، ۳۴. فتنه‌جویی و بدعت‌گذاری، ۳۵. حسد و ریاست‌طلبی، ۳۶. کشتن پیامبران و آنان که امر به عدالت می‌کنند، ۳۷. نقشه‌های باطل برای مبارزه با حق، ۳۸. پوشاندن حق به وسیله باطل، ۳۹. بازیچه قرار دادن دین، ۴۰. بازداشتن مردم از راه خدا، ۴۱. تبهکاری، ۴۲. دروغ‌گویی، ۴۳. خیانت، ۴۴. ایجاد اختلاف، ۴۵. پیروی از باطل و آنچه موجب خشم خدا می‌شود، ۴۶. ناپسندی آنچه از طرف خدا نازل شده، ۴۷. گمان بر اینکه هدف از زندگی تنها بهره‌مند شدن از لذتهای دنیاست، ۴۸. بیماری قلب (روح)، ۴۹. ترسو بودن، ۵۰. فساد حاکمان و زمامداران خودسر، ۵۱. قطع پیوند خویشاوندی، ۵۲. عدم تدبّر در قرآن، ۵۳. مخالفت با پیامبر(ص)، ۵۴. باطل کردن عمل نیک بعد از کامل بودن آن، ۵۵. پشت کردن به دین.



از این جمع‌بندی و توضیح، به خوبی روشن شد که قطعاً بهترین و شایسته‌ترین راه برای یافتن موارد و شاخه‌های کارهای نیک (معروف) و بد (منکر)، مراجعه به شارع مقدس اسلام است. (نوری همدانی، بی تا)

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۱. مراتب در زمان حاکمیت اسلام

در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی واجب است مکلفان، در امر به معروف نهی از منکر، به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولان ذی‌ربط در نیروی انتظامی و قوه قضاییه ارجاع دهند.

وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی، اکتفا به امر به معروف و نهی از منکر زبانی است و مراتب دیگر آن بر عهده مسئولان است. امر به معروف، یک مرحله گفتن و یک مرحله عمل دارد. مرحله عمل؛ یعنی اقدام با دست و با زور؛ این مرحله، امروز بر عهده حکومت است و باید با اجازه حکومت انجام بگیرد و لاغیر. اما گفتن با زبان بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام دهند. (جرجانی، ۱۳۸۵)

مواردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر چیزی بیشتر از امر و نهی زبانی باشد، اگر در سرزمینی باشد که دارای نظام و حکومت اسلامی است و به این فریضه اسلامی اهمیت داده می‌شود، احتیاج به اذن حاکم و مسئولان ذی‌ربط و پلیس محلی و دادگاههای صالح دارد.

۲. مراتب در زمان حاکمیت غیر اسلام

در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفان واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند. (جرجانی، ۱۳۸۵)

۳. امر و نهی زبانی

نهی از منکر زبانی، جایز و واجب و وظیفه همه است و در هیچ شرایطی هم ساقط نمی‌شود. اما آنجایی که نوبت اجرا و عمل برسد، همه باید طبق قوانین عمل کنند. امر به معروف و نهی از منکر، اگر متوقف بر تصرف در نفس یا مال کسی که فعل حرام را بجا آورده، نباشد، احتیاج به کسب اجازه از کسی ندارد؛ بلکه این مقدار بر

همه مکلفان واجب است. (جرجانی، ۱۳۸۵)



۴. امر و نهی عملی

تعرض به داخل خانه‌های مردم برای امر به معروف و نهی از منکر جایز نیست. دخالت اشخاص دیگر در اموری که از وظایف نیروهای امنیتی و قضایی محسوب می‌شود، جایز نیست. (جرجانی، ۱۳۸۵)

۵. ترک معاشرت

در مواردی که یکی از اقوام انسان، مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لابلالی باشد، اگر ترک معاشرت موقتی با او موجب خودداری او از ارتکاب معصیت شود، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است و در غیر این صورت، قطع رحم جایز نیست. (جرجانی، ۱۳۸۵)

۶. اطلاع دادن به مقامات

با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای این فریضه الهی دارد، بر کسی که قادر به امر به معروف و نهی از منکر نیست، واجب است که نهادهای مربوطه را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته‌اند، مطلع نماید و تا کنده شدن ریشه‌های فساد اداری که فسادآور هم هستند، موضوع را پیگیری کند. در صورت وقوع تخلفات قانونی و شرعی در کشوری که نظام اسلامی بر آن حاکم است، وظیفه مردم به مجرد عجز شخصی از امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود، بلکه واجب است که به نهادهای مربوط اطلاع داده و موضوع را پیگیری نمایند. (جرجانی، ۱۳۸۵)

دیدگاه فقهی مقام معظم رهبری در امر به معروف و نهی از منکر

۱. وجوب امر به معروف و نهی از منکر

همه امر به معروف و نهی از منکر کنند. نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز، مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست. امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن، یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلامی و سلامت جامعه است. اگر موضوع و شرایط امر به معروف و نهی از منکر محقق باشد، تکلیف شرعی و وظیفه واجب اجتماعی و انسانی همه مکلفان است و حالت‌های مختلف در آن تأثیر ندارد.



جوانان در محیط خودشان، امر به معروف و نهی از منکر کنند، چرا این واجب در جامعه اسلامی هنوز اقامه نشده است. (فرازی، ۱۳۸۵)

۲. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

الف) شرایط وجوب: امر به معروف و نهی کننده از منکر باید عالم به معروف و منکر باشد و همچنین بداند که فاعل منکر هم به آن علم دارد و در عین حال، عمدی و بدون عذر شرعی مرتکب آن می‌شود. زمانی اقدام به امر و نهی واجب می‌شود که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن شخص داده شود و ضرری برای خود او نداشته باشد. در این مورد باید تناسب بین ضرر احتمالی و اهمیت معروفی را که به آن امر یا منکری که از آن نهی می‌کند، ملاحظه کند. در غیر این صورت، امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نیست. (فرازی، ۱۳۸۵)

ب) رعایت شرایط: در امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و آداب آن باید رعایت شود و از حدود آن تجاوز نشود.

ج) ضرر داشتن برای آمر و ناهی: در صورتی که اقدام به امر به معروف و نهی از منکر ضرر قابل توجهی متوجه اقدام کننده کند، انجام آن واجب نیست. اگر ترس از ضرر، منشأ عقلانی داشته باشد، مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست، بلکه تکلیف ساقط می‌شود.

د) خجالت و رودربایستی: امر به معروف و نهی از منکر یک واجب است که رودربایستی و خجالت بر نمی‌دارد.

۳. زمینه‌های امر به معروف و نهی از منکر

الف) دفاع از نظام اسلامی: بزرگ‌ترین معروف، دفاع از نظام اسلامی و این بزرگ‌ترین کاری است که باید انجام بگیرد.

ب) منکرات اداری: نهی از منکر در همه زمینه‌های مهم وجود دارد. ... یک وقت هست که آن کسی که مسئول دولتی است و قدرت و اجازه و امضا در دست اوست، با یک نفر رابطه ویژه برقرار می‌کند. این آن چیزی است که ممنوع و گناه و حرام و نهی از آن بر همه واجب است تا فضا برای کسی که اهل سوء استفاده است، تنگ شود.

ج) مخالفت با قوانین: در صورت تحقق مخالفت فردی با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی، بر دیگران تذکر و راهنمایی و نهی از منکر لازم است.



د) بروز فساد بنیانی در نظام جامعه اسلامی: امام حسین (ع) برای انجام یک واجب قیام کرد. این واجب در طور تاریخ، متوجه یکایک مسلمانان بوده، عبارت است از اینکه هر وقت دیدند نظام جامعه اسلامی دچار فساد بنیانی شده و بیم آن است که به کلی احکام اسلامی تغییر پیدا کند، هر مسلمانی باید قیام کند.

ه) قوانین مغایر با اسلام: اگر کسی در جمهوری اسلامی از قانونی که مغایر با نظام اسلامی است اطلاع پیدا کند، واجب است برای حل این مشکل و حذف قوانین مخالف با احکام اسلام، آن را به مقامات مسئول بالاتر اطلاع دهد. (فرازی، ۱۳۸۵)

۴. وظایف حکومت اسلامی در قبال امر به معروف و نهی از منکر

الف) مسئولیتی سنگین: امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است؛ فقط من و شما به عنوان مسئولان کشور، وظیفه‌مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین‌تر است.

ب) دفاع از امر و ناهی: همه دستگاه‌های حکومت ما باید از امر به معروف و ناهی از منکر دفاع کنند. این، وظیفه است.

مبادا کسانی باشند که اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کرد، از او حمایت نکنند، بلکه از مجرم حمایت کنند.

ج) هموار کردن زمینه‌های اجرا: وظیفه ما مسئولان، قانونگذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم. مبادا در گوشه و کنار یا در دستگاه انتظامی یا قضایی، کسانی باشند که راه را جلوی امر به معروف و ناهی از منکر سد کنند.

د) جلوگیری از سوء استفاده‌ها: مواظب باشید کسانی از این واجب الهی سوء استفاده نکنند. حساب صاف‌کردن‌ها، به خرده‌حسابهای گذشته رسیدن، پرده‌داری، آبروریزی، تعرض به نوامیس و عرض و مال این و آن، به بهانه این واجب الهی، اینها نباید باشد.

خود مردم با تیزهوشی نباید بگذارند این واجب الهی و این فریضه بزرگ، زمین بماند یا خدای ناکرده مورد سوء استفاده قرار گیرد. (فرازی، ۱۳۸۵)

نقش امر به معروف در پایداری جامعه

«پایداری» از نظر لغوی عبارت است از: تاب آوردن، تحمل و امتداد یافتن، دوام و برقراری و ماندگاری. از نظر اصطلاحی و به معنی وسیع خود، به توانایی جامعه،



اکوسیستم یا هر نظام جاری برای تداوم کارکرد در آینده‌ای نامحدود گفته می‌شود، بدون اینکه به اجبار در نتیجه تحلیل رفتن منابع که نظام به آن وابسته است یا به دلیل تحمیل بار بیش از اندازه روی آنها، به ضعف کشیده شود. از سوی دیگر، توانایی نظام برای استقامت و پایداری به گونه‌ای اجتناب ناپذیر به میزان ارتباطی وابسته است که نظام با محیط بیرونی برقرار می‌کند. به عبارتی؛ پایداری نظام به طور کامل به قابلیت نظام برای سازگاری و انطباق، تغییر و تحول و واکنش نسبت به محیط وابسته است. از آنجا که محیط همواره در حال تغییر است، این فرایند، پویا و حساس است. بنابر این، نظام پایدار به کارکرد مناسب درونی و به رابطه سازگار با محیط و به عبارت بهتر؛ به پایداری درون و به پایداری بیرون (در تعامل با محیط) نیازمند است تا در مجموع به عنوان نظام پایدار عمل کند. (حاجیانی، ۱۳۹۱)

پدیده‌های اخلاقی - اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر

- اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری)؛ عوامل جامعه‌پذیر شدن عبارتند از: خانواده، مدرسه، دانشگاه، همسالان، رسانه‌ها و سایر افراد و عوامل محیطی که قدرت شاکله فرد را شکل می‌دهند.
- ارزشهای اجتماعی؛ مهم‌ترین کارکرد ارزشها در جامعه، جامعه‌پذیر کردن افراد است که نظم و هماهنگی، حاصل جامعه‌پذیر بودن افراد جامعه است.
- قوانین اجتماعی؛ امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای است که افراد را دعوت به اطاعت از قوانین الهی می‌کند که هم تکلیف انسان مسلمان و هم مهم‌ترین راه سلامت جامعه و افراد آن است.
- آسیبها و انحرافات اجتماعی؛ مسئولان سلامت جامعه در ابعاد روان و جسم و محیط باید وظیفه خود را با برنامه‌ریزی انجام دهند و نظارت عمومی و همگانی هم به عنوان وظیفه شرعی و انسانی و اجتماعی مانع ایجاد رسوخ ضد ارزشها و انحرافات در جامعه شود.
- نقش، منزلت و تحرک اجتماعی؛ مسلمانی که به حد تکلیف رسیده و انجام عبادات و فرایض بر او واجب می‌شود، ضمن داشتن نقشهای متعدد، نقش امر به معروف و ناهی از منکر هم دارد و دیگران هم وظیفه و تکلیف دارند در صورتی که کسی با شرایط لازم امر و نهی کند، بپذیرند و تکلیف خود را انجام دهند.
- تغییرات اجتماعی؛ شیوه‌های جدید تعلیم و تربیت، رسانه‌ها و ویژگی‌های



مخاطبان، از عواملی‌اند که چگونگی انتقال پیام و امر و نهی را تعیین می‌کنند. بنابر این، باید به شکل امروزی و شیوه‌های تأثیرگذار اقدام شود تا در فرد تأثیر داشته باشد و به عمل درآید. البته چگونگی آن را مجتهد تعیین و مقلدان انجام می‌دهند. جذابیت عمل و فریضه باید حفظ و با شرایط انطباق داده شود تا ضمن حفظ اصل دستور و انجام عبادت، رغبت به پذیرش آن هم ایجاد شود. در اینجا دستگاه تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی و به ویژه رسانه‌ها نقش مهمی دارند؛ زیرا فرزندان خیلی زود و در کودکی از خانواده به سایر نهادها و جامعه راه می‌یابند و کمتر در محدوده خانواده و خویشاوندی قرار دارند. بنابر این، رسالت نهادهای اجتماعی بسیار مهم است. (ابویی مهریزی، ۱۳۸۶)

- **نظارت اجتماعی؛ امر به معروف و نهی از منکر توسط همه افراد واجد شرایط و مسلمان، بهترین راه پیشگیری و درمان آسیبها و انحرافات اجتماعی است که گاهی با انواع سازوکارهای رسمی، مثل ستاد امر به معروف، ستاد مبارزه با مواد مخدر، ستاد اقامه نماز، دایره مبارزه با منکرات نیروی انتظامی و ... و همچنین توسط هر مسلمانی در برخورد با منکر اجرا می‌شود.** البته لازم است ستادهایی هدایت امر را بر عهده داشته باشند، ولی بهتر است همه مسلمانان به این کار اقدام کنند تا فضای ناامنی برای انجام منکر احساس نشود؛ بلکه بر عکس، فضای امن برای معروف ایجاد شود. از سوی دستگاههای مسئول، گریزگاهها برای مجرمان بسته شود و عاملان به معروف مورد تشویق قرار گیرند تا تأثیرگذاری بیشتر شود. بنابر این، نظارت باید باشد؛ ولی با شرایط تأثیرگذاری و بازدارندگی و اقناع درونی و ملکه شدن رفتار خوب.

- **اصلاحات اجتماعی؛ اگر افراد جامعه اسلامی مقید به انجام فرایض و مناسک دینی باشند، فریضه امر به معروف و نهی از منکر بهترین عامل اصلاحات اجتماعی است؛ در صورتی که متناسب با ویژگی‌های افراد اجرا و با میل و اشتیاق پذیرفته شود تا رفتار اصلاح‌پذیر و در صحنه جامعه جایی برای نابسامانی نباشد.**

- **فرهنگ و امر به معروف و نهی از منکر؛ در کشورهای در حال توسعه، به ویژه پس از انقلاب و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، نیاز به تخصصهای فنی و پزشکی و غیره بیشتر است و همین نیاز باعث بی‌توجهی به ابعاد**



انسانی و اجتماعی می‌شود و در مسابقه اقتصاد و فرهنگ، اقتصاد جلو می‌افتد و کارگزاران اقتصادی مزایای بیشتری نسبت به حاملان فرهنگ خواهند داشت. بنابر این، ممکن است در این برهه، فرهنگ از اقتصاد عقب بماند و لایه مادی و روبنایی نسبت به لایه زیرین و معنوی بیشتر رونق یابد و فرهنگ تحت الشعاع امور مادی مقهور شود و معنویت محو جامعه با وجود پیشرفتهای ظاهری و مادی، در آستانه سقوط ارزشها قرار گیرد؛ چنان که پیشرفت مادی غرب باعث این خلأ معنوی شده که آثار آن مشهود است.

- سیاست و امر به معروف و نهی از منکر؛ امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه دینی و عبادی هر مسلمانی است، جزء وظایف حکومت است که برای آن برنامه‌ریزی و نظارت کند و افرادی سالم را برای جامعه‌ای سالم تربیت کند. در این صورت، سیاست، معنای هدایت جامعه به سوی اهداف الهی و متعالی پیدا می‌کند.

- اقتصاد و امر به معروف و نهی از منکر؛ ارزش کار در دین اسلام و اینکه کسب درآمد از راه تلاش فریبنده است سلامت اقتصاد را تضمین می‌کند. نهی رباخواری، احتکار، گرانفروشی و ...، مصادیقی از احکام اقتصادی اسلام است. در زمان گذشته اگر خرده‌نانی روی زمین افتاده بود، مسلمان آن را برداشته، می‌بوسید و در مکانی قرار می‌داد تا به نعمت خدا توهین نشود و همین در توصیه‌های تربیتی هم وجود دارد. ولی امروزه بی‌توجهی نسبت به نعمتهای الهی و بی‌تفاوتی نسبت به اسراف، موجب اتلاف نعمتها شده و اقتصاد کشورها را با ناکامی مواجه کرده است. از طریق امر به معروف و نهی از منکر از سوی حکومت و مردم می‌توان به اقتصاد جامعه سروسامان بخشید و به تقویت اعتدال و توسعه در اقتصاد کمک کرد. (اسلامی، ۱۳۸۰)

شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

شامل دو بخش است: ۱. شیوه‌های دعوت به خیر؛ ۲. شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر.

۱. شیوه‌های دعوت به خیر

الف) مستقیم

این شیوه اگر به درستی صورت گیرد، اثرات بسیار مفیدی می‌تواند به همراه داشته باشد. در این مورد، نکات ذیل را باید رعایت کرد:



یک) پند و اندرز:

- مخاطب باید اطمینان داشته باشد که خیرخواهی ما واقعاً از روی علاقه و محبت به اوست و آنچه می‌گوییم، صادقانه، صمیمانه و واقعی است.
- مخاطب نباید حس کند که ما از موضع برتر بودن از او سخن می‌گوییم. او باید دریابد که برای رسیدن به آنچه خیر و صلاح اوست، قدرت و توان لازم را دارد.
- پند و اندرز به ویژه برای سنین نوجوانی و جوانی اگر از حد بگذرد، اثر معکوس دارد. (وسائل الشیعه، ۳۲۸)

دو) برهان و استدلال: برخی از رفتارهای غلط و غیر ارزشی جوانان و نوجوانان ما، نه به دلیل خصلت ذاتی آنها و نه از روی عناد، بلکه اغلب موارد از روی جهل یا قانع نشدن به انجام برخی کارها یا دوری از برخی دیگر رفتارهاست. در این مورد، قشر فرهیخته موظف است با بیان مستدل و دلایل مستند، زیبایی برخی اعمال و زشتی برخی دیگر را برای مخاطب خود واگو کند. اما همان قدر که استدلال خوب و بیان همه جوانب مسئله، ارزشمند و اثرگذار است، استدلال نادرست و ناقص می‌تواند اثر منفی بر مخاطب بگذارد. به یاد داشته باشیم که استدلال نیاوردن، بهتر از استدلال نادرست یا ناقص است. (وسائل الشیعه، ۳۲۸)

سه) بیدارسازی فطرت: انسانها هم در جسم، هم در ویژگی‌های روحی و هم در میزان بهره‌مندی از تعقل، با یکدیگر متفاوتند و همان طور که مثلاً یک غذا را برخی می‌پسندند و برخی دیگر از آن پرهیز می‌کنند، یا یک نوع غذا به برخی می‌سازد و برخی دیگر را بیمار می‌کند، در مورد مسائل روحی نیز برخی مسائل را گروهی می‌پسندند و گروهی دیگر خیر. برخی طالب علم و برخی بی‌علاقه به آنند. اما تنها خمیرمایه و نوع خاصی از خلقت انسانهاست که ویژگی‌های مشترک آنها را فراهم می‌آورد. لذا بیدارسازی فطرت و توجه به آن، ضمن اینکه موفقیت‌ساز است، دشواری خاصی نیز دارد؛ چرا که مورد خطاب قرار دادن فطرتها، تبخّر و توانایی ویژه‌ای را می‌طلبد. کار پیامبرانه کردن غیر ممکن نیست؛ ولی اخلاق و صبر و توان و روش پیامبرانه می‌خواهد. (وسائل الشیعه، ۳۲۸)

چهار) تذکر و یادآوری: خطاهای آدمیان یا انجام ندادن امور خیر و افعال حسن، گاه از روی جهل است و گاه از روی غفلت و کمتر از روی عناد. غفلت را می‌توان با تذکر و یادآوری درمان کرد، اما این روش نیز مانند روشهای دیگر باید به طور «حَسَن» باشد. موضع‌گیری و تندی و تحقیر کردن، دعوت‌کننده به خیر را در کارش موفق نمی‌کند. (وسائل الشیعه، ۳۲۸)



پنج) تشویق و تنبیه: یکی از روشهای متداول در نظام تعلیم و تربیت، استفاده از پاداش و تنبیه است. انسان به طور طبیعی از پاداش لذت می‌برد و از تنبیه گریزان است. همین مسئله موجب ترغیب او به انجام کارهای خوب و پرهیز از کارهای بد می‌شود. خداوند در آیه ۳۱ سوره نجم می‌فرماید: «آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست تا بدکاران را به کیفر اعمالشان برساند و نیکو کاران را پاداش نیکوتر بدهد».

ب) غیر مستقیم

یک) روش الگویی: بهترین روش برای دعوت دیگران به خوبی‌ها و خیرها، عمل به آنهاست. خداوند متعال در مورد پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «به تحقیق، حرکات و افعال رسول خدا (ص) الگوی خوب و پسندیده‌ای برای شما جهت پیروی است؛ برای کسی که امیدوار به خداوند و روز آخرت است» (فارابی، ۳۳۹ق). امام صادق (ع) می‌فرماید: «با عمل خود، مردم را به کار خیر و حق دعوت کنید» (امام خمینی، ۱۳۷۹). باید در عین حفظ اقتدار، روحیه انعطاف‌پذیری داشته باشیم و در عین رعایت خطوط قرمز ارزشها، تساهل و تسامح را فراموش نکنیم. بگذاریم فرد در آنچه مورد علاقه یا سؤال و شبهه اوست، اظهار نظر کند تا پس از فهم دقیق سخنش و بدون تحقیر، توهین یا اسکات با او سخن گفته، پاسخی درخور و عالمانه ارائه کنیم. ممکن است مخاطبان ما عالمانه سخن نگویند یا خالی‌الذهن نباشند یا غرض‌ورزی و لجبازی کنند.

دو) بیان مثال: گاهی می‌توان با استفاده از مثال و تشبیه، راه حقی را نشان داد و باطلی را رسوا کرد و در دلها نفوذ کرد؛ کاری که در قرآن نیز مورد استفاده قرار گرفته است. خداوند سبحان، گاه با استفاده از تمثیل و تشبیه، حقیقتی را بیان یا باطلی را افشا می‌کند. تمثیل و تشبیه برای کسانی که آشنایی چندانی با برهان و استدلال ندارند، شیوه بسیار مناسب و مؤثری است.

سه) تغافل و تجاهل: در مواجهه با قشر جوان و نوجوان، گاهی به عمد خود را به غفلت و عدم توجه زدن، می‌تواند برای آنان آموزنده باشد. این شیوه زمانی بسیار کارساز است که عامل بفهمد ما متوجه عمل او شده‌ایم، اما آن را ندیده گرفته‌ایم. در این صورت درمی‌یابد که این عمل، مورد خوشایند ما نبوده است؛ پس عمل نادرستی است و نباید آن را تکرار کند. البته خطاها و گناهان بزرگ و مهم را نمی‌توان مشمول تغافل یا تجاهل کرد.

چهار) تأسف یا شادمانی: گاه اظهار تأسف از فعلی که از آن مطلع می‌شویم



یا اظهار رضایت و شادمانی از فعلی دیگر، به مخاطب می‌آموزاند که کدام عمل درست و کدام نادرست است. وقتی نارضایتی خود را از یک عمل، با تکان دادن سر و اظهار تأسف نشان می‌دهیم، در واقع به مخاطب خود آموزش می‌دهیم که این فعل نادرست و سزاوار سرزنش است یا هنگامی که اظهار رضایت می‌کنیم و لبخند می‌زنیم، می‌فهمانیم که این فعل درست است و سزاوار تحسین.

پنج) توجه به برخی و بی‌توجهی به برخی دیگر: استاد می‌تواند در رفتار و گفتار خود گاه از این شیوه استفاده کند و آن اینکه، به دانشجویانی که اخلاق و رفتار پسندیده‌تری دارند توجه بیشتری نشان دهد و به کسانی که گناهان و گستاخی بیشتری در بی‌توجهی به ارزشها از خود نشان می‌دهند، توجه کمتری کند؛ به گونه‌ای که هر دو گروه، دلیل رفتار استاد را متوجه شوند. در برخی از روایات نیز آمده است که گناهکاران را با قیافه عبوس و گرفته ملاقات کنید.

شش) اخلاق مسلمان: ما موظفیم نسبت به همه اظهار محبت کرده، همگان را دوست بداریم و دست دوستی به سوی همه مسلمانان دراز کنیم. چنانچه روش و شیوه درستی را برگزینیم، آنان که مشتاق‌ترند، احساس نیاز بیشتری می‌کنند و اگر توانستیم اعتماد آنها را نیز جلب کنیم، زودتر دست ما را می‌گیرند و خود را در مسیر محبت ما قرار می‌دهند و این موفقیت بزرگ است که مقدمه دعوت ما خواهد بود. (اسلامی، ۱۳۸۰)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جامعه‌ای پایدار است که دارای ارزشها و اهداف و آرمانها بوده، در مسیر آن حرکت کند. این پایداری به وسیله دولت (نظام حکومت اسلامی) و مردم (امت جامعه اسلامی) ایجاد می‌شود. جامعه اسلامی با سلاح امر به معروف و نهی از منکر، به اصلاح رذایل و انحرافات (در مسیر مستقیم) می‌پردازد. در این جامعه، هر فرد مکلف به امر به معروف و نهی از منکر (ضد ارزشهای اسلامی) است. اما روشهای کاربردی در انجام امر به معروف و نهی از منکر، شامل دو وظیفه «امر به معروف» و «نهی از منکر»، تجزیه و تحلیل شده که پس از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، در امور ذیل خلاصه شده است:

۱. برپایی سایر فرایض و واجبات، امنیت راههای زندگی، حلال بودن کار و کسب مردم، ادای حقوق به صاحبانشان، برپایی عدالت فردی و اجتماعی، آبادی زمین، انتقام از دشمن و روبه‌راه شدن امور مسلمانان، تحقق نمی‌یابد، مگر در پرتو دو فریضة امر به معروف و نهی از منکر.



۲. ترک این دو فریضه، باعث رفع برکات، کمبود بهره‌های زندگی، بستن راه استجابات دعاها، سلطه‌اشرار بر نیکان، فرود آمدن عذاب الهی، استحقاق هلاکت و درماندگی، دگرگونی معروف به منکر و منکر به معروف و بسیاری دیگر از انحرافات و بلاهای فاجعه‌آمیز خواهد شد، و چه بلایی بالاتر از تحریف و واژگونی معروف به منکر و به عکس؟!

۳. روشن شد که بودن امت اسلامی به عنوان «بهترین امته‌ها» بستگی ناگسستنی به برپایی دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد و باید در میان این امت اسلامی، جمعیتی مجهز به تجهیزات فرهنگی و اجتماعی برای دعوت مردم به سوی سعادت در سطح کل جهان، وجود داشته باشد.

۴. علما و دانشمندان، مسئولیت خاصی در مورد این دو فریضه دارند و این دو بر آنها واجب است؛ چرا که به فرموده حضرت علی(ع): «ان لایقارو اعلی کظه ظالم و لا سغب مظلوم»؛ خداوند از علما و دانشمندان، عهد و مسئولیتی گرفته که در برابر شکمخوارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند.

۵. اقدام به امر به معروف و نهی از منکر، نه مرگ را نزدیک و نه روزی را کم می‌کند، همچنین، این دو فریضه از بهترین جهادهاست و بهترین شاخه‌های آن، سخنی است که به عنوان دفاع از عدالت، در پیش روی حاکم ستمگر گفته می‌شود.

۶. معنی این دو فریضه، وسیع و دامنه‌دار است و بهترین راه برای تشخیص مصداقهای آنها، رجوع به قرآن و روایات پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) است.

۷. اصل وجود این دو فریضه، به حکم عقل است، ولی حدود و وجوب را شرع مقدس تعیین می‌کند. در ضمن، وجوب این دو فریضه، در بعضی از مراتبش، «عینی» (یعنی بر همگان واجب است) و در بعضی از مراتبش، «کفایی» است (یعنی وجوب بر همگان تعلق گرفته، ولی با اقدام بعضی از آنها، از گردن دیگران ساقط می‌شود).

۸. دایره امر به معروف، جداً وسیع و گسترده است و گفتار، عمل، تأسیس و آماده سازی و... را شامل می‌شود.

۹. دایره نهی از منکر نیز وسیع است و شامل گفتار، عمل و دفع منکرات می‌شود.

۱۰. اقدام به دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به خصوص در زمان ما، نیاز به تجهیزات مالی و فرهنگی و اجتماعی دارد.

۱۱. وجوب این دو فریضه، مشروط به علم به معروف و منکر نیست، بلکه علم به معروف و منکر «شرط واجب» است (یعنی باید آن را به دست آورد) نه «شرط



و «جوب» (که مانند استطاعت برای حج، تحصیلش واجب نباشد). این قول، موافق قول شهید دوم (زین‌الدین - متوفی ۹۶۶ ق) و محقق ثانی (نورالدین معروف به محقق کرکی - متوفی ۹۴۰ ق) و مخالف قول مشهور است. بنابر این، تحصیل این علم، به عنوان مقدمه قیام به امر به معروف و نهی از منکر، واجب است.

۱۲. وجوب این دو فریضه گرچه مشروط به احتمال تأثیر است، ولی تحصیل مقدمات تأثیر، واجب است که عبارت است از: به دست آوردن قدرت و نیروی فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی.

۱۳. امر به معروف و نهی از منکر، نوعی از جهاد است؛ به این معنی که جهاد و مبارزه در داخل جامعه اسلامی با منحرفان است و مسئله جهاد، خواه خارجی (خارج از جامعه اسلامی) باشد و خواه داخلی، نیاز به تجهیزات و اسباب و وسایل دارد.

۱۴. محض عدم تأثیر، با وجود امکان تحصیل مقدمات تأثیر، برای عذر آوردن در ترک این دو فریضه کافی نیست.

۱۵. تأثیری که در مورد این دو فریضه لازم است، شامل تأثیر در شخص یا جامعه و تأثیر در جامعه، مقدم‌تر از تأثیر در فرد است.

۱۶. این دو فریضه با احتمال عقلایی تأثیر، واجبند؛ با توجه به اینکه علم به تأثیر یا ظن (گمان قوی) به تأثیر به طریق اولی، موجب وجوب این دو فریضه است.

۱۷. روایتی که دلالت دارد بر اینکه صاحب شمشیر و تازیانه (حاکم قدرتمند) امر به معروف و نهی از منکر نمی‌شود، جداً ضعیف و بی‌اعتبار و مخالف روایات دیگر است. چنان که روایتی که می‌گوید: «هر گاه کسی متعرض سلطان ستمگری شده و در این راه به بلا گرفتار شود، به خاطر آن بلا، مأجور نیست و در پرتو استقامت بر آن بلا، از مواهب خداوند محروم می‌شود»، نیز ضعیف و بی‌اعتبار است.

۱۸. هنگام آشکار شدن «بدعت»، اظهار علم (احکام اسلامی)، واجب و کتمان آن، حرام است.

۱۹. وجوب این دو فریضه، مشروط به اصرار مکلف بر ترک معروف یا انجام گناه است؛ ولی اگر اظهار پشیمانی کرد، امر به معروف و نهی از منکر او واجب نیست.

۲۰. اینکه مشهور در میان علما این است که وجوب به امر به معروف و نهی از منکر، مشروط به «امن از ضرر» به طور مطلق است، درست نیست و ممکن نیست انسان به این دو وظیفه به طور کامل و مؤثر قیام کند جز اینکه متحمل ضرر شود. اما مهارتهایی که لازم در حسن انجام مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر



است، عبارتند از: پرهیز از رفتارهای متکبرانه، چگونگی مواجهه با آدمهای متکبر و مغرور، نداشتن رفتارهای تهاجمی، نداشتن رفتارهای خشونت‌آمیز و بی‌نزاکت، پرهیز از رفتارهای نامناسب و بی‌ادبانه، ظاهر شدن در نقش مثبت، رعایت حریم خصوصی افراد، برقراری رابطه‌ی دوستانه با مردم، چگونگی راه رفتن، داشتن سیمای جذاب، حفظ آرامش خود در هر شرایطی، خجالت نکشیدن و قوی ظاهر شدن در مقابل صاحبان منسب است که نیاز به توجه و دقت بالایی دارد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج‌البلاغه.
- ۳- ابویی مهریزی، حسین، (۱۳۸۶)؛ نقش امر به معروف و نهی از منکر در سلامت محیط، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان- ویژه‌نامه اولین همایش بهداشت در آموزه‌های پیامبر اعظم(ص)، دوره ششم، ش ۳۰ (زمستان).
- ۴- اسلامی، سید حسن (۱۳۸۰)؛ امر به معروف و نهی از منکر، دانشنامه امام علی(ع)، انتشارات کتاب همگان.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)؛ المفردات فی غریب القرآن، ترجمه حسین خداپرست، دفتر نشر نوید اسلام.
- ۶- اخلاق و رفتار اسلامی: به ضمیمه روش آموزش مسائل تربیتی / تدوین آوزارت آموزش و پرورش [اداره کل امور تربیتی، اخلاق و رفتار اسلامی.
- ۷- خمینی، روح الله (۱۳۷۹)؛ تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- ۸- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۰۳۷)؛ بحار الانوار، انتشارات شرکت طبع بحار الانوار.
- ۹- بسیج، احمد رضا و همکاران (۱۳۸۷)؛ نظارت نخبگان در شناخت امر به معروف و نهی از منکر، [بی جا]، سدره المنتهی.
- ۱۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۳)؛ غرر الحکم و درر الکلم، انتخاب احادیث و ترجمه محسن موسوی، انتشارات دارالحدیث.
- ۱۱- جرجانی، سید امیر (۱۳۸۵)؛ مقاله مراتب امر به معروف و نهی از منکر، مجله گنجینه انتشارات حوزه، شماره ۵۹، (خرداد و تیر).
- ۱۲- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)؛ هویت ایرانی- اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی، فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت، دانشگاه امام حسین(ع)، سال پنجم، ش ۱۴ (بهار).
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)؛ وسائل الشیعه: کتاب جهاد النفس، مترجم علی صحت، انتشارات ناس.
- ۱۴- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۹)؛ معارف و معاریف، انتشارات آرایه.
- ۱۵- فارابی، محمد بن محمد؛ کتاب: آراء اهل مدینه الفاضله.
- ۱۶- فارابی، محمد بن محمد (۱۳۶۶)؛ کتاب: سیاسته المدینه، چاپ مکتب الزهرا.



- ۱۷- فرازی، صادق (۱۳۸۵)؛ حصون، شماره ۷ (بهار)
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب؛ **اصول الکافی**، تصحیح میرزا محمدحسین شریعتمداری تبریزی.
- ۱۹- ابن بابویه، محمد بن علی؛ **من لا یحضره الفقیه صدوق**.
- ۲۰- طوسی، محمد بن حسن؛ **تهذیب الاحکام**.
- ۲۱- و سایر کتب حدیث و منابع فقهی مثل: المقنع شیخ مفید و رسائل مرحوم سید مرتضی، المواسم، نهاییه شیخ الطائفه، الاقتصاد، المهدب، جواهر، سرائر ابن ادریس، شرایع الاسلام و المختصر النافع محقق علی الاطلاق ۴۷۶.
- ۲۲- فقه الرموز، تذکره الفقهاء، قواعد علامه، مختلف الشیعه، تحریر الاحکام علامه حلی ۷۲۶.
- ۲۳- الارشاد شیخ مفید (۵۴۱ ق)، تبصره المتعلمین علامه حلی، ایضاح الفوائد، الدروس شهید اول ۱۸۶.
- ۲۴- احمد بن فهد حلی (۷۸۶ ق)، **اللمعه دمشقیه، جداول**، المهدب البار
- ۲۵- شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ (۹۶۲ ق). **الروضه البهیة شهید ثانی**
- ۲۶- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، - (۹۹۳ ق). **مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشاد**
- ۲۷- شیخ بهایی (۱۳۰۹)؛ **کتاب جامع عباسی**؛ مشهدی محمد رسول تبریزی
- ۲۸- محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۰۱۷)؛ **کتاب کفایه الاحکام**.
- ۲۹- موسوی خوانساری، احمد (۱۳۶۳)؛ **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، انتشارات مکتبه الصدوق.
- ۳۰- طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان**، ترجمه و نگارش احمد بهشتی، انتشارات فراهانی.
- ۳۱- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۸۱)؛ **زبده البیان فی احکام القرآن**. فارسی، ترجمه جعفر سجادی، آشیانه کتاب.
- ۳۲- مطهری، سید مرتضی (۱۳۸۷)؛ **جامعه و تاریخ**، انتشارات اسلامی قم.
- ۳۳- **دانستنی های امر به معروف و نهی از منکر**، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج (۱۳۸۵).
- ۳۴- نوری همدانی، حسین (۱۳۶۹)؛ **کتاب امر به معروف و نهی از منکر**، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

1. www.aeka.persianblog.ir
2. sajad.ahmadi@iran.ir